



وجه التزام قراردادی و امکان تعدیل آن در حقوق ایران و نظام‌های مختلف حقوقی

سامان عسکری^۱
سارا ادیبی سده^۲
بهروز مجدزاده خاندانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

چکیده

اصولاً اشخاص در قراردادهایی که منعقد می‌نمایند این اختیار را دارند که برای تضمین اجرای تعهدات ناشی از قرارداد، مبلغی را به عنوان خسارت عدم انجام تعهد یا تاخیر در اجرای آن تعیین نمایند که به آن وجه التزام قراردادی می‌گویند. حقوقدانان، در خصوص اصل شرط وجه‌التزام طبق ماده ۲۳۰ قانون مدنی و عمومیات قواعد شروط ضمن عقد، هیچ‌گونه اختلافی ندارند و همگی بر صحت آن اتفاق نظر دارند اما در خصوص تعدیل وجه‌التزام‌های گزاف موضوع اختلافی است و نظر واحدی وجود ندارد. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است، رویکرد حقوق ایران و نظام‌های مختلف حقوقی در رابطه با پذیرش وجه التزام و تعدیل وجه التزام قراردادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حقوق کشور ما به استناد ماده ۲۳۰ قانون مدنی و رای وحدت رویه شماره ۸۰۵ هیات عمومی دیوان عالی کشور همچنان نظر بر عدم امکان تعدیل وجه التزام می‌باشد. در حالی که در حقوق کشورهای مختلف از جمله انگلستان، فرانسه، آلمان، سوئیس، مصر و ... طبق شرایطی از جمله ناعادلانه و گزاف بودن مبلغ وجه التزام، جنبه مجازات داشتن آن، عدم امکان اجرای قرارداد و ... امکان تعدیل وجه التزام قراردادی وجود دارد و حقوق این کشورها این موضوع را پذیرفته است.

کلید واژه‌ها

وجه التزام، تعدیل وجه التزام، شرط کیفری، تعدیل قضایی.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

samanaskari1366@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول):

s.adibi.sedeh@gmail.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

bmajdzadeh@yahoo.com

مقدمه

هدف اصلی از انعقاد هر قرارداد، اجرای آن است. پس از انعقاد قرارداد، نخستین موضوعی که مطرح می‌شود؛ امکان اجرای آن است. وجه التزام که از آن به شرط خسارت، خسارت مقطوع یا خسارت قراردادی تعبیر می‌شود و گاهی به آن شرط کیفری نیز گفته می‌شود، عبارت از توافقی است که به موجب آن طرفین میزان خساراتی را که در صورت عدم اجرای قرارداد یا ایجاد ضرر باید پرداخته شود از پیش تعیین می‌کنند. به بیان دیگر، هرگاه طرفین عقد توافق کرده باشند که متعهد در صورت عدم اجرای تعهد یا تأخیر مبلغ معینی بپردازد، این شرط را وجه التزام گویند.

در صورتی که بعد از انعقاد قرارداد، به دلایلی که قابل انتساب به متعاقدين نیست؛ اجرای آن تا حدی ناممکن گردد؛ بحث تعدیل شرایط قرارداد و ضمانت اجرای آن مطرح می‌شود. تعدیل قرارداد نه تنها در حقوق ایران، بلکه در اغلب نظام‌های حقوقی، موضوعی مهم و در عین حال مورد اختلاف است. امروزه بسیاری از قراردادهایی که در جامعه بسته می‌شود، به دلایل مختلف قابلیت اجرا ندارد و متأسفانه با وجود فراوانی آنان و مشکلات در روابط اقتصادی و اجتماعی، قانون‌گذار راه حل مناسبی برای آن پیش‌بینی نکرده است و احکام صریحی در این خصوص وجود ندارد. «تعدیل» در لغت به معنای برابر کردن چیزی با چیزی و راست کردن آن است. در فارسی امروزی، کاستن از شدت و حدت چیزی یا عملی است. اصطلاح «تعدیل قرارداد» به معنای «اصلاح قرارداد» پیشین و تغییر در شرایط و اوصاف عوض یا معوض است. این تغییر، کاستن یا افزودن در مقدار آن دو را نیز شامل می‌گردد». این تغییر و اصلاح یا مستند به توافق طرفین است و یا مستند به قانون (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۳۱). منظور از تعدیل قرارداد این است که هرگاه در اثر وقوع حوادث مختلفی از قبیل جنگ، تغییر در سیاست‌های اقتصادی، تحولات سیاسی داخلی و خارجی یا هر علت خارجی دیگری، بحران اقتصادی شدیدی روی دهد و در نتیجه آن، اوضاع و احوال و شرایط زمان قرارداد بطور اساسی تغییر کند و توازن مالی قرارداد به شدت برهم خورد، طرفین قرارداد، قانون و یا دادگاه در مفاد قرارداد دخل و تصرف کنند و شروط قراردادی را تغییر دهند و آن را با شرایط جدید تطبیق دهند. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۸۷)

تعدیل قرارداد، می‌تواند دارای سه گونه‌ی تعدیل قراردادی، تعدیل قانونی و تعدیل قضایی باشد. بر همین اساس، در نظام حقوقی ایران، به منظور جبران کردن ضرر حاصل از تخلف قراردادی سه راه حل پیش‌بینی شده است: الف: صراحتاً ضرر و زیان در زمان انعقاد قرارداد اصلی و پیش از رخ دادن خسارت، توسط طرفین تعیین گردد؛ در این صورت جبران خسارت یا توسط ضرر زنده صورت می‌گیرد که به آن شرط وجه التزام گفته می‌شود، و یا توسط شخص ثالث صورت می‌گیرد که به آن بیمه اطلاق می‌شود. ب: پس از این که خسارت وارد گردید، راه حل و چگونگی جبران آن تعیین شود. این شکل روشن‌ترین وضعیت را در نظام حقوقی ایران داراست و هر گونه توافق به منظور جبران خسارت بعد از وارد شدن خسارت تا زمانی که بر خلاف قانون نباشد، درست و دارای اعتبار بوده و در صورتی که توافقی حاصل

نشود، دادرسی راه حل بعدی خواهد بود. ج: مشخص نمودن میزان و چگونگی جبران خسارت به وسیله‌ی قانون (مثلاً حکم دادگاه) و یا عرف (تعیین ضمنی طرفین). با توجه به آنچه گفته شد، اولین مبنای وجه التزام توسط طرفین یک قرارداد، در حقوق ایران قانون می‌باشد. ماده ۲۳۰ ق.م. اولین متن قانونی در این حوزه می‌باشد. ماده مذکور بیان می‌کند: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر و یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم کند.» بر مبنای ماده مذکور وجه التزام در واقع مبلغی می‌باشد که طرفین یک قرارداد در زمان مذاکرات قراردادی خودشان به نام خسارت قطعی متضرر، ناشی از تخلف طرف مقابل، مشخص نموده و به شکلی که بر خلاف قانون نباشد در قرارداد قید می‌کنند. نکته قابل توجه این است که بین این مبلغ «یعنی وجه التزام قراردادی» و «وجه التزام قضایی» که دادگاه در مرحله رسیدگی به اختلاف دو طرف برای تأخیر در انجام تعهدی که جز توسط متعهد صورت‌پذیر نیست، تعیین می‌کند و قابل کاهش و یا افزایش هم هست، و «وجه التزام غیرقراردادی» که قانون در موارد خاصی مشخص می‌کند، تفاوت‌هایی وجود دارد.

به طور کلی، در حقوق ایران تفکیکی بین وجه التزام و شرط کیفری صورت نگرفته است و اکثر حقوقدانان هر دو را به یک مفهوم به کار می‌برند. شاید بتوان دلیل این تسامح را این گونه توجیه کرد، که در حقوق کشورمان هیچ اثر عملی بر این تفکیک مترتب نیست؛ وجه التزام چه منصفانه باشد چه غیرمنصفانه، دادگاهها به صورت یکسان با آن برخورد می‌کنند. آثار سوء ناشی از اجرای بی‌قید و شرط توافق بر وجه التزام به تدریج و بعد از چند دهه از تصویب قانون مدنی نمایان شده است. از نظر قانونگذار، توافقی که در خصوص شروط قرارداد انجام می‌شود از قصد و رضای طرفین ناشی می‌شود و قاضی نمی‌تواند به بهانه رعایت عدالت یا اخلاقی نمودن شرط آن را تغییر دهد و بایستی به طور کامل آن را اجرا نماید. این نتیجه، در مسئولیت‌های قراردادی قطعی است (ماده ۲۳۰ قانون مدنی) و در مسئولیت‌های غیرقراردادی نیز با تمام تردیدهایی که در این مورد وجود دارد، قبول این نکته با منطق حقوقی بیشتر سازگار می‌باشد. این پژوهش با یک نگاه تطبیقی ضمن بررسی مفهوم وجه التزام به امکان تعدیل وجه التزام خواهد پرداخت که آیا امکان تعیین وجه التزام و تعدیل آن در قراردادها وجود دارد یا خیر؟ و نگاه قوانین کشورهای مختلف و رویه قضایی به این امر چگونه است؟

۱- مفهوم تعدیل وجه التزام قراردادی

تعدیل در لغت به معنی برابر کردن، هم وزن کردن، دو چیز را مساوی کردن، تقسیم کردن از روی عدالت و ... می‌باشد. (عمید، ۱۳۶۳، ۴۰۳) تعدیل در اصطلاح حقوق قراردادها به معنای کم یا زیاد کردن مبلغ مورد توافق اعم از ثَمَنُ الْمُسَمًّى یا مال الاجاره یا وجه التزام و... با هدف ایجاد عدالت معاوضی یا تعادل بین حقوق و تکالیف طرفین قرارداد است. تعدیل قرارداد به حکم مفاد قرارداد (تعدیل قراردادی) یا

قانون (تعدیل قانونی) یا به حکم دادگاه (تعدیل قضایی) امکان پذیر است. ماده ۴ اصلاحی ۱۳۵۸/۹/۳ ق.ر.م.و.م. مصوب ۱۳۵۶ مصادقی از تعدیل قانونی قرارداد است که مقرر می‌دارد: «موجر یا مستاجر می‌تواند به استناد ترقی یا تنزل هزینه زندگی، درخواست تجدید نظر نسبت به میزان اجاره بها را بنماید؛ مشروط به اینکه مدت اجاره منقضی شده و از تاریخ استفاده مستاجر از عین مستاجر به از تاریخ مقرر در حکم قطعی که بر تعیین یا تعدیل اجاره بها صادر شده، سه سال تمام گذشته باشد؛ دادگاه با جلب نظر کارشناس، اجاره بها را به نرخ عادلانه روز تعدیل خواهد کرد. حکم دادگاه در این مورد قطعی است.»

تعدیل اجاره بها به صورت کاهش یا افزایش پذیرفته شده است چون اقتصاد هر کشور تابعی از اقتصاد جهان است و دائم در نوسانات قرار دارد پس افزایش یا کاهش میزان اجاره با مرور زمان و هدف نزدیک تر شدن آن به عدالت پذیرفته شده است (فلاح، ۱۳۸۹: ۱۳۹ و ۱۴۰). امکان تعدیل قرارداد در مواردی که قرارداد و قانون نسبت به این امر ساکت باشد؛ توسط دادگاه با اجتماع سه شرط زیر وجود دارد که به آن «تعدیل قضایی قرارداد» می‌گویند:

۱. غیر قابل پیش‌بینی بودن دگرگونی: یعنی از روند عادی و متعارف مبادلات اقتصادی قابل حدس زدن نباشد.
۲. دشواری نامتعارف اجرا: یعنی متعهد با اجرای قرارداد به وضعیتی دچار شود که قرارداد قابل اجراست ولی بسیار دشوار و یا حتی خارج از اراده او باشد.
۳. دگرگونی اوضاع: اگر اوضاع قرارداد آن چنان تغییر کند که شخص را در غیر از آنچه زمان انعقاد یا در جریان عادی بوده، قرار دهد. مثال تحریم یا جنگ سبب شود نرخ مصالح ساختمانی که شریک سازنده متعهد به ساختن بنایی با آن مصالح بود به ناگهان به دو یا سه برابر قیمت رسد. (غفور خوئینی و شمس الهی، ۱۳۹۲: ۱۱۴ و ۱۱۵)

۲- پذیرش وجه التزام و تعدیل آن در کشورهای مختلف

در اینجا مفهوم شرط در حقوق ایران و دیگر نظام‌های حقوقی مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- حقوق ایران

واژه‌ی «التزام» به معنی تعهد کردن است و اصطلاحی است که از فقه به حقوق مدنی راه یافته است و در کتب مختلف فقهی نیز به همین معنی به کار رفته است. اصولاً رابطه‌ی تعهد دو سویه است که یک سوی آن به متعهدله وابسته است و از آن «الزام» تعبیر می‌شود و الزام نشانگر حق مطالبه برای متعهدله است اما سوی دیگر آن که مربوط به متعهد است از آن به «التزام» تعبیر می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۱) عبارت وجه التزام اصطلاحی است که در قوانین مختلف به کار رفته است اما در هیچ یک از موارد، تعریفی از آن به عمل نیامده است.

ماده‌ی «۷۱۹ ق.آ.د.م» مصوب «۱۳۱۸»، در این باره مقرر می‌داشت: «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است اعم از این که راجع به معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی باشد، خسارت تاخیر تادیه، معادل صدی دوازده «۱۲٪» محکوم به، در سال است و اگر علاوه بر این مبلغ قراردادی به عنوان وجه التزام یا مال الصلح یا مال الاجاره و هر عنوان دیگری شده باشد، در هیچ مورد بیش از صدی دوازده در سال نسبت به مدت تاخیر حکم داده نخواهد شد، لیکن اگر مقدار خسارت کمتر از صدی دوازده معین شده باشد به همان مبلغ که قرارداد شده است، حکم داده می‌شود.»

علاوه بر ماده‌ی فوق در مواد «۳۴ و ۳۵» ق.ث به صراحت از اصطلاح وجه التزام یاد شده است. تبصره‌ی «۴ ماده ۳۴ ق.ث مقرر می‌دارد: «... ولی به طور کلی زیان دیر کرد در صورتی تعلق می‌گیرد که وجه التزامی بین طرفین در ضمن معامله‌ی اصلی یا ضمن هر نوع قرارداد و معامله‌ی دیگر به طوری که التزام مزبور راجع به معامله اصلی باشد مقرر نشده است و بدهکار در صورت دیر کرد به طور مستقیم به تادیه آن ملزم نگردیده باشد.» علاوه بر مواد یاد شده، در قانون تجارت نیز مواد «۳۸۶ و ۳۸۷» به قرارداد طرفین راجع به خسارات احتمالی آینده اشاره دارد که به طور ضمنی مبین شرط وجه التزام می‌باشد.

ماده‌ی «۳۸۶ ق.ت» در این خصوص مقرر می‌دارد: «اگر مال التجاره، تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل، مسئول قیمت آن خواهد بود، مگر این که ثابت نماید تلف یا گم شدن، مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده است که یکی از آنها داده‌اند و یا مربوط به حوادثی بوده است که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می‌تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا بیشتر از قیمت مال التجاره معین نماید.» لازم به ذکر است که در هیچ یک از مواد قانون مدنی، اصطلاح وجه التزام به صراحت به کار نرفته است. تنها ماده‌ی «۲۳۰ ق.م» در مبحث «خسارات حاصله از عدم انجام تعهد»، به طور ضمنی به تاسیس حقوقی مزبور اشاره می‌کند: «اگر در ضمن معامله، شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است، محکوم کند.»

با توجه به ماده‌ی فوق، در تعریف شرط وجه التزام می‌توان گفت مبلغی است که افراد در روابط خصوصی خود به هنگام انعقاد قرارداد در مقابل خسارات احتمالی ناشی از عدم انجام تعهد یا تاخیر در اجرای آن در قرارداد معین می‌کنند که این مبلغ ممکن است به صورت شرط در ضمن قرارداد اصلی معین شده و یا حتی ممکن است طرفین مستقل از قرارداد اصلی و در الحاقیه‌های بعدی بر آن توافق کنند که در این صورت باید قبل از بروز تخلف متعهد، از انجام تعهد باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۸: ۵۶۹). بنابراین وجه التزام ممکن است در قالب قراردادی جداگانه مورد توافق متعاملین قرار گیرد که در این صورت قرارداد مزبور از ملحقات مربوط به قرارداد اصلی است اما از آنجایی که مبلغ مزبور به عنوان

خسارت غالباً به صورت شرط ضمن عقد گنجانده می‌شود، از آن به «شرط وجه التزام» تعبیر می‌شود. باید توجه داشت که وجه التزام ویژه‌ی قرارداد است، و آن مبلغی است که طرفین در ضمن قرارداد، به عنوان تعهدات قراردادی مندرج در آن جهت ضمانت اجرای تخلف از تعهدات مذکور اعم از عدم انجام تعهد و یا تاخیر در اجرای آن» توافق می‌کنند؛ لذا در مسئولیت‌های غیر قراردادی نیز ممکن است در موارد خیلی نادر این گونه شروط مشاهده گردد که در این صورت مبلغ تعیین شده را نمی‌توان وجه التزام نامید بلکه اطلاق وجه التزام به آن قابل تامل است. (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۳۶۰)

وجه التزامی که غالباً به صورت شرط در ضمن قرارداد گنجانده می‌شود ممکن است تنها به نفع یکی از متعاملین باشد؛ به طور مثال؛ فروشنده تعهد می‌کند که کالای مورد معامله «مبیع» را در مهلت معینی تحویل مشتری دهد، والا مبلغ معین به عنوان خسارت ناشی از تاخیر باید به عنوان اجرای تعهد «تسلیم» پرداخت شود. همچنین ممکن است، شرط مزبور، ناظر به منافع متعاملین باشد، به طور مثال، در عقد بیعی که موضوع آن فروش چند دستگاه اتومبیل در مقابل ثمن معین است، شرط شود که هر یک از متبایعین در صورت تخلف از قرارداد، مبلغ معینی را به عنوان خسارت ناشی از عدم انجام تعهد به طرف مقابل بپردازد. حال، سوالی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا موضوع شرط وجه التزام، لزوماً باید وجه نقد باشد یا هر چیز دیگری را می‌توان موضوع شرط قرار داد؟ برخی از حقوق‌دانان معتقدند: شرط وجه التزام در مقابل شرط کیفری و یا جزایی قرار می‌گیرد و در واقع شرط کیفری اعم از شرط وجه التزام می‌باشد؛ چرا که موضوع شرط جزایی ممکن است علاوه بر وجه نقد چیز دیگری هم باشد؛ در حالی که موضوع شرط وجه التزام صرفاً وجه نقد است. (اسکینی، ۱۳۷۱: ۹۰) لذا معتقدند که به کار بردن اصطلاح «مجازات قراردادی» و یا «شرط کیفری» که بعضی صاحب‌نظران حقوقی استعمال کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۳۶۰ و جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۱۲) در خصوص ماده‌ی «۲۳۰ ق.م.» صحیح به نظر نمی‌رسد و اصطلاح وجه التزام را مرجح می‌دانند. به نظر نگارنده، اگر چه ماده‌ی «۲۳۰ ق.م.» و سایر مواد در قوانین مختلف، در موارد عدیده وجه التزام را مبلغی پول قلمداد نموده است؛ با این وجود اگر طرفین هر چیز دیگری را که ارزش مالی داشته باشد موضوع شرط قرار دهند معنی وجود ندارد، بلکه اطلاق آن به پول نقد بر وجه غالب است. در تایید نظر فوق و پذیرش وجه التزام غیر نقدی می‌توان به رای شعبه‌ی «۶ دادگاه» عمومی تهران در پرونده‌ی «۲۰۸۵/۷۴» در دادنامه شماره ۱۲۹۱، مورخ ۱۳۷۴/۹/۲۳ استناد کرد که، دعوی الزام متعهد به پرداخت وجه التزامی که موضوع آن قسمتی از سهام شرکت بود را پذیرفته و نسبت به آن حکم صادر کرده است. (کامیار، ۱۳۷۷: ۱۳۵)

وجه التزام از جمله مفاهیم مشترک و در عین حال نام‌آشنای عرفی - حقوقی است زیرا علاوه بر تبیین آن از جهت حقوقی در تالیفات موجود، اهل عرف و به ویژه بازاریان با این مسئله به جهت کثرت استعمال بخوبی آشنایی دارند. در تالیفات شارحین قانون مدنی برای وجه التزام که بعضاً تحت عنوان شرط وجه التزام قراردادی، شرط کیفری (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۸۴)، تعویض اتفاقی (جعفری لنگرودی،

۱۳۹۵: ۷۳۹) و شرط جزایی^۱ نیز یاد می‌شود تعاریف عدیده‌ای ارائه گردیده است که ذیلاً به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

وجه التزام مبلغی است که طرفین قرارداد پیش از وقوع خسارت ناشی از عدم اجرای قرارداد یا تاخیر در اجرای آن، به موجب توافق (خواه ضمن همان قرارداد اصلی باشد خواه به موجب موافقت مستقل ولی در این صورت باید پیش از بروز تخلف متعهد از تعهد باشد) معین کنند. ماهیت وجه التزام ماهیت خسارت است، خسارتی که به توافق طرفین قبلاً تعیین شده است و به همین جهت جمع بین اخذ خسارت و انجام تعهد ممنوع و از اغلاط مشهور است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ۷۳۹) شرطی که به موجب آن خسارت آینده را طرفین به طور مقطوع معین می‌کنند که این گونه شروط، شروط کیفری هم نام دارند. (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۸۴)

در قراردادهای معمولاً برای تضمین و تحکیم تعهدات متعاقدین به صورت شرط در ضمن عقد، مبلغی پیش‌بینی می‌شود تا در صورت تخلف هر کدام از آنان به عنوان خسارت به طرف مقابل پرداخت شود. این مبلغ را اصطلاح «وجه التزام» می‌نامند. (حسین آبادی، ۱۳۸۶: ۴۷) ممکن است طرفین در عقد مقرر دارند که در صورت تخلف یا تاخیر، خسارت معینی پرداخت نمایند که وجه التزام نام دارد.

۲-۲- حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس نیز قرارداد ممکن است مشتمل بر شرطی باشد که پرداخت مبلغ ثابتی را در صورت نقض آن ایجاب نماید و حقوق‌دانان انگلیس شرط مزبور را همواره تحت عنوان «خسارت تعیین شده در قرارداد»^۲ مورد بررسی قرار داده‌اند و اصولاً هدف از چنین شرطی، ممکن است به انگیزه‌هایی چون آگاهی طرف از مسئولیتی که در نتیجه‌ی نقض قرارداد متوجه او می‌شود و پرهیز از مشکلات مربوط به ارزیابی و تقویم میزان خسارت و بعید بودن آن باشد. (Treitel, 1995, 898)

در نظام حقوقی مزبور، شرط وجه التزام را به دو گروه تقسیم نموده‌اند: ۱- شرطی که نمایانگر یک تخمین صادقانه و پیشاپیش از میزان ضرر است که از آن به «جبران خسارت»^۳ تعبیر می‌شود. چنین شرطی حتی اگر مبلغ مقرر شده در آن با خسارات واقعی وارده برابر نباشد، معتبر است و دادگاه‌ها الزاماً همان مبلغ را مورد حکم قرار می‌دهند. ۲- شرطی که بیشتر ماهیت یک تهدید را داشته و همواره بر بالای سر طرف دیگر قرار دارد تا وی را به اجرای قرارداد مجبور نماید که از آن به «مجازات و تنبیه»^۴ تعبیر می‌شود که این نوع مجازات قابل اجرا نمی‌باشد و خواهانی که سعی در اعمال آن نماید ممکن است

^۱ تبصره ماده ۳۴ قانون ثبت.

^۲ Damages Fixed by contract

^۳ liquidated damages

^۴ Penalty

تنها خسارات ناشی از ضرری را که واقعاً به او وارد شده است دریافت نماید و لذا شرط اخیر باطل بوده و دادگاه‌های انگلیس به مفاد آن عمل نمی‌نمایند. (Duxbury, 1994, 100)

مسئله‌ی اساسی در حقوق انگلیس این است که یک شرط در چه صورت جنبه‌ی «مقطوع نمودن خسارت» دارد تا معتبر تلقی گردد؟ و در چه صورتی واجد خصوصیت «تنبیهی و تهدیدی» است و آثاری بر آن مترتب نمی‌گردد؟

در پاسخ به پرسش فوق باید گفت: در حقوق انگلیس قاعده‌ی ثابتی در این خصوص وجود ندارد اما با عنایت به دعوی «شرکت لاستیک دانلپ علیه شرکت نیو گاراج» قواعد زیر برای راهنمایی دادگاه‌ها وضع شده‌اند:

۱- هرگاه مبلغ تعیین شده اغراق‌آمیز^۱ و نامتعارف^۲، حتی در قیاس با بیشترین ضرری که می‌توان ورود آن را در نتیجه‌ی نقض قرارداد تصور کرد، باشد باید آن را مجازات تلقی کرد و بی‌اعتبار دانست.

۲- در جایی که نقض قرارداد از عدم پرداخت مبلغ معینی پول حاصل می‌شود و مبلغی که در صورت نقض، قابل پرداخت است بیش از مبلغی باشد که باید پرداخت می‌شده است، پرداخت آن مبلغ مجازات محسوب و باطل است.

۳- هرگاه شرط شود که مبلغ واحدی در صورت وقوع یک یا چند واقعه‌ی خاص یا همه آنها پرداخت گردد، که آن وقایع برخی شدید و برخی جزئی هستند، مبلغ مشخص شده، مجازات محسوب می‌شود و باطل است.

۴- صرف این حقیقت که تعیین دقیق ضرر از قبل غیرممکن است موجب نمی‌شود که آن را نتوان «خسارت از قبل تعیین شده» دانست.

از طرف دیگر در حقوق «کامن لا» نیز ضرورت ندارد که موضوع شرط، الزام وجه نقد باشد بلکه حتی ممکن است مشتمل بر انتقال مالی به شخص متعهدله باشد. (Duxbury, 1994, 101)

«دعوی شرکت لاستیک دانلپ علیه شرکت نیو گاراج» به شرح ذیل بوده است: دانلپ لاستیک‌هایی را به تجار عمده فروش به نرخ‌های تخفیفی فروخت؛ به این شرط که لاستیک‌ها نباید برای هیچ مشتری جزئی، به قیمتی کمتر از قیمت خرده‌فروشی مقرر شده، تهیه شوند. شرکت نیو گاراج با این شرط موافقت کرد که مبلغ ۵ پوند به عنوان «خسارات مقطوع» به ازای هر لاستیکی که در راستای نقض شرط فروخته شود، بپردازد. شرکت نیوگاراج لاستیکی را به قیمتی کمتر از قیمت جاری

¹ extravagant
² unreasonable

توافق شده فروخت و به وسیله‌ی دانلپ مورد اقامه دعوی قرار گرفت. نیو گارج در دفاع از خود ابراز داشت که مبلغ «۵» پوند برای هر لاستیک یک جریمه بود. مجلس اعیان مقرر داشت: خسارات مذکور، خسارات مقطوع بود. مبلغ «۵» پوند واقعا و حقیقتا تخمین سود دانلپ در صورت اجرای صحیح و کامل قرارداد بود. (Barker, 2005, 166)

رویکرد سنتی به وجه التزام به عنوان قراردادی لازم الاجرا و تاکید بر تغییر ناپذیری آن امروزه در بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله حقوق انگلستان با تردیدهای جدی روبرو شده است. لزوم توجه به تعادل قراردادی و نیز حمایت از طرف ضعیف‌تر در قرارداد موجب گردید که توافق بر خسارت در حقوق انگلستان به دو دسته تفکیک گردد به نحوی که هرگاه خسارت تعیین شده از جنبه جبرانی برخوردار باشد از شمول تعدیل و بازنگری در امان بوده و با تکیه بر اصل لزوم و آزادی قراردادی به مرحله اجرا درآید. از سوی دیگر هرگاه توافق بر خسارت، دارای جنبه تنبیهی باشد در صورت وجود شرایطی همچون گزاف بودن مبلغ آن و نیز عدم وجود تعادل در قدرت اقتصادی طرف‌های قرارداد، توافق مورد اشاره به عنوان شرط کیفری قلمداد شده و ابطال گردد. بدیهی است پس از ابطال توافق میزان خسارت باید بر اساس معیارهای عینی از سوی مقام قضایی تعیین گردیده و متعهد را محکوم به پرداخت آن نمود. بنابراین دیدگاه سنتی مطلق گرایی در قبال وجه التزام با راهکاری میانه و منصفانه تلطیف شده و شرایط تعدیل آن مهیا گردیده است. (قجاوند، ۱۳۹۸، ۱۰۲)

۲-۳- حقوق فرانسه

در حقوق بسیاری از کشورهای دیگر مانند ایران وجه التزام دارای مستند قانونی است. اگرچه مقررات فرعی ناظر به وجه التزام در کشورهای مختلف نظیر امکان یا عدم امکان تعدیل وجه التزام، توجه یا عدم توجه به ضرر واقعی در وجه التزام و... دارای تفاوت‌هایی هست ولی اصل شرط جزایی مورد توافق آنهاست. بعنوان مثال مواد ۱۱۵۲ و ۱۲۲۶ قانون مدنی فرانسه در این خصوص مقرر می‌دارد:

ماده ۱۲۲۶: «شرط جزایی، شرطی است که به موجب آن، شخصی به منظور تامین اجرای قرارداد، خود را در صورت عدم اجرا، نسبت به چیزی ملتزم کند.»

ماده ۱۱۵۲: «هرگاه قرارداد مقرر کند که متخلف از ایفای تعهد، مبلغ معینی بابت خسارت پرداخت کند، دادگاه نمی‌تواند حکم پرداخت خسارت بیشتر یا کمتر در حق طرف دیگر، صادر کند. (بند افزوده شده به موجب قانون شماره ۵۹۷-۷۵ مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۷۵ ماده یکم) با این وجود دادرسی می‌تواند (قانون شماره ۱۰۹۷ - ۸۵ مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۸۵، ماده یکم) راساً، جریمه مورد توافق را در صورتی که کاملاً گزاف یا به طور مستخره‌آمیز کم بداند؛ تعدیل کند یا افزایش دهد. هرگونه شرط مخالف مقرر نشده تلقی خواهد شد.» (نوری، ۱۳۹۰: ۴۵، ۴۶)

۲-۴- قانون مدنی آلمان

در ماده ۳۰۹ قانون مدنی آلمان، ۱۳ گونه شرط را عنوان کرده است که عدم اعتبار آن مشمول ارزیابی نیست. یکی از این شروط وجه التزام است که در بند ۶ آن را چنین تبیین می‌نماید: «شرطی که به موجب آن مشروطاً له حق داشته باشد در صورت عدم قبول یا قبول با تاخیر ایفای تعهد، تاخیر تادیه یا در صورتی که طرف مقابل انصراف خود را از قرارداد اعلام دارد، وجه التزام مطالبه کند» ولی در قانون مدنی همان کشور به قاضی اجازه داده شده است که تناسب وجه التزام با خسارات واقعی ناشی از عدم انجام تعهد را بررسی نماید. بند ۷ ماده ۳۰۸ ق.م. یکی از شروطی که اعتبار آن منوط به ارزیابی است را شرطی می‌داند «که به موجب آن در صورتی که یکی از طرف‌های قرارداد بتواند آن را فسخ کند یا اخطار فسخ صادر کند، مشروط له بتواند: الف) مبلغ گزاف و نامعقولی برای استفاده از چیزی یا حقی یا تعهد انجام شده مطالبه کند. ب) هزینه‌های گزاف و نامعقول مطالبه کند» (نوری، ۱۳۹۸: ۷۷ و ۷۹).

۲-۵- قانون تعهدات سوئیس

مواد ۱۶۱ و ۱۶۳ قانون تعهدات سوئیس در این باره مقرر می‌دارند:
ماده ۱۶۱: «۱. وجه التزام قابل پرداخت خواهد بود اگرچه متعهدله هیچ‌گونه خسارتی متحمل نشده باشد. ۲. طلبکاری که خسارات وارده به او از مبلغ وجه التزام تجاوز کند حق مطالبه غرامت بیشتری را ندارد مگر اینکه ثابت کند تقصیری از ناحیه متعهد سر زده است.»
ماده ۱۶۳: «۱. طرفین قرارداد به اختیار خود مبلغ وجه التزام را تعیین می‌کنند. ۲. اگر هدف از وجه التزام، تضمین تعهدی نامشروع یا خلاف اخلاق باشد قابل مطالبه نیست و نیز جز در صورت وجود قرارداد مخالف اگر اجرای قرارداد به علت مقتضیاتی که متعهد مسئول آنها نبوده غیرممکن شده باشد وجه التزام را نمی‌توان مطالبه کرد. ۳. قاضی می‌تواند اگر وجه التزام را مبالغه آمیز تشخیص دهد، میزان آن را تقلیل دهد.» (واحدی، ۱۳۹۲: ۵۳ و ۵۴).

۲-۶- حقوق کشورهای اسلامی

در حقوق کشورهای اسلامی وجه التزام تحت عناوین «البند الجزائی» (مغیب، ۲۰۰۰: ۳۵۱)، «التعویض الاتفاقی» (عامر، ۱۹۹۸م: ۵۶۸)، «تقدیر اتفاقی للتعویضه» (نبیل، ۱۹۹۸م: ۷۷) و «التعین بالانفاق» (ناصیف، ۱۹۹۴م: ۳۸۶)، آورده شده است. به عبارت دیگر در کنار تعویض قانونی و قضائی، تعویض اتفاقی، خسارتی است که طرفین بر آن توافق کردند و همانند حقوق ایران، این توافق ممکن است در هنگام انعقاد عقد باشد و یا بعد از آن که از الحاقیه‌های مربوط به عقد اصلی است و از طرف دیگر خسارت مزبور ممکن است در مقام عدم انجام تعهد یا تاخیر در انجام آن باشد. «ماده‌ی «۲۲۳ ق.م.» مصر و ماده‌ی «۲۲۴ ق.م. سوریه». (سنه‌وری، بی تا: ۸۵۱)

۲-۶-۱- قانون مدنی مصر

مواد ۲۲۳ به بعد قانون مدنی مصر در این خصوص مقرر می‌دارد:

ماده ۲۲۳ ق.م: «متعاقدين می‌توانند مبلغ خسارت را به موجب عقد یا توافق موخر با رعایت مقررات مواد ۲۱۵ تا ۲۲۰ (مقررات ناظر به جبران خسارت به جای اجرا) از پیش تعیین کنند.»

ماده ۲۲۴ ق.م: «۱. هرگاه متعهد ثابت کند هیچ زیانی متوجه متعهدگه نشده است، خسارت تعیین شده حسب توافق قابل مطالبه نیست. ۲. هرگاه متعهد ثابت کند که مبلغ معین، بسیار مبالغه‌آمیز و گزاف بوده یا اینکه تعهد اصلی، به طور جزئی اجرا شده است قاضی می‌تواند مبلغ این خسارت را کاهش دهد. ۳. هر توافقی که مخالف دو بند پیشین باشد، باطل است.»

ماده ۲۲۵ ق.م: «هرگاه ضرر، متجاوز از میزان مورد توافق باشد متعهدگه نمی‌تواند مبلغی اضافه مطالبه کند مگر اینکه ثابت کند متعهد متوسل به تقلب شده یا تقصیر فاحش داشته است.» (نوری، ۱۳۹۲: ۷۱)

۲-۶-۲- قانون مدنی عراق

مقررات مواد ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون مدنی عراق در مورد شرط جزایی مشابه مواد ۲۲۳ به بعد قانون مدنی مصر است. از جمع مطالب راجع به وجه التزام در قانون مدنی عراق استنباط می‌شود که به ورود ضرر واقعی بیشتر از قصد مشترک طرفین بها داده شده است زیرا با اثبات عدم ورود زیان به مشروطاً له وجه التزام، این مبلغ قابل مطالبه نیست و کم کردن وجه التزام بر اساس ورود ضرر واقعی تجویز شده است (بند ۲ ماده ۱۷۰) ولی زیاد کردن آن اصولاً جایز نیست مگر در صورت تقلب یا تقصیر فاحش متعهد. (بند ۳ ماده ۱۷۰) یا در مورد تاخیر تادیه در استرداد وجه نقد به شرط اینکه ضرر طلبکار بیش از خسارات موضوع درصدهای شاخص رسمی کشور بوده و این خسارات ناشی از تقلب یا تقصیر فاحش متعهد باشد (ماده ۱۷۳) (القانون المدنی العراقی، ۱۹۵۱: ۴۵ و ۴۶).

۳- ارزیابی متن ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران

از دلایل ارائه شده از سوی طرفداران تئوری منع تعدیل وجه التزام قراردادی، استناد به متن ماده ۲۳۰ قانون مدنی است. این گروه چنین استدلال می‌نمایند که قانون مدنی در ماده ۲۳۰ به صراحت قاضی را از کم و زیاد نمودن مبلغ وجه التزام ممنوع اعلام داشته و با وجود این منع صریح تعدیل وجه التزام اقدامی است خلاف نص قانون مدنی و تبعاً نتیجه گرفته‌اند که تعدیل مطلقاً ممنوع است. (حسین‌زاده و خلیل‌پور گرگانی، ۱۳۹۲، ۱۶۶) اما در مقام تحلیل و ارزیابی این دلیل باید گفت که نباید کتمان نمود که این دلیل یکی از قویترین مستندات منع تعدیل است و اکثریت حقوقدانان نیز به دلالت نص همین ماده تعدیل را روا نمی‌دارند. اما علی‌رغم متن این ماده باز نگارنده این توجیه را به لحاظ امعان نظر در سایر اصول و

موازن حقوقی موجه نمی‌داند، توضیح آن که در سلسله مراتب قانونی، قانون اساسی در جایگاه رفیعی نسبت به مدونه‌های عادی قرار دارد و در صورت تعارض اصول آن با مواد قانون عادی از جمله قانون مدنی باید به دستور آن پای‌بند بود به همین مناسبت باید گفت که یکی از مهمترین رهنمودهای قانون‌گذار در قانون اساسی اصل چهل آن قانون است که اشعار می‌دارد «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر قراردهد»، که به قاعده منع سوء استفاده از حق نیز معروف است، مطابق این اصل هرکس می‌تواند از تمام حقوق قانونی خود استفاده کند و به تعبیر دیگر حسن استفاده از حق مجاز و لازمه تدوام حیات بشری است. اما در اجرای حق، اعمال غرض و سوء استفاده به ضرر غیر محکوم به بطلان است. این اصل اساسی ریشه در موازین فقهی ما از جمله قاعده لاضرر دارد (بهرامی، ۱۳۹۴، ۲۶۵) و همان‌طوری که برخی از حقوقدانان گفته‌اند (کریمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۳، ۱۳۶) در حقوق اسلام یکی از کارکردهای قاعده لاضرر که قدمتی به تاریخ اسلام دارد، تحدید اختیارات مالک و صاحب حق در مقام اجرای ضرر آمیز آن است. اکنون با توجه به این توضیحات باید عنوان داشت که هرچند طرفین وفق ماده ۲۳۰ قانون مدنی حقی بنام «حق درج شرط وجه‌التزام» دارند ولی سوء استفاده از اعمال و اجرای آن ممنوع است و نمی‌توانند در مقام اجرای این حق مقدمات ضرر ناروا به غیر را فراهم نمایند. زیرا مطالبه وجه‌التزام‌های نامتعارف از مصادیق اضرار ناروا به طرف معامله است.

نتیجه آن که متن ماده ۲۳۰ قانون مدنی باید در سایه اسناد بالادستی حکومتی از جمله اصل چهارم قانون اساسی تحلیل و تفسیر نمود و در مقام جمع این اصل و ماده موصوف می‌توان گفت که دادگاه حق تعدیل وجه‌التزام‌های معقول و متعارف را ندارد. لیکن، هرگاه مبلغ شرط از حد اعلاای عقلایی تجاوز کند دیگر رنگ و بوی عدوان و اعمال غرض در آن دیده می‌شود و محکمه عدل اسلامی می‌تواند در آن ورود و نهایتاً تعدیل نماید.

۴- بررسی امکان یا عدم امکان تعدیل وجه التزام

حال پرسش این است که آیا در موضوع وجه التزام تعدیل آن جایز است یا خیر؟ بدیهی است در خصوص وجه التزام چنان تصریحی که در روابط استیجاری تعدیل مال الاجاره را جایز می‌شمرد؛ وجود ندارد و برعکس در ماده ۲۳۰ ق.م.ق.م قاضی از دخالت در میزان وجه التزام منع شده است ولی با این وجود نباید ظاهر این ماده، قاضی یا وکیل را از تلاش برای عادلانه کردن وجه التزام در مواردی که میزان آن بسیار گزاف یا خیلی ناچیز است؛ نا امید کند. برای طرح صحیح موضوع باید بین تعدیل قراردادی و غیر قراردادی (قانونی یا قضایی) تفکیک قائل شد:

۱. تعدیل قانونی وجه التزام با توجه به ظاهر ماده ۲۳۰ ق.م.م ممنوع است. چون در متن قانون چنین اختیاری مانند آنچه در اجاره سال ۱۳۵۶ وجود داشت؛ پیش‌بینی نشده است.

۲. تعدیل قراردادی وجه التزام آن است که مبلغی به عنوان وجه التزام در قرارداد شرط شود ولی طرفین هنگام عقد، شرط کنند که امکان کم یا زیاد کردن وجه التزام در طول زمان اجرای قرارداد بسته به نظر طرفین یا داور مرضی‌الطرفین یا دادگاه وجود داشته باشد یا اینکه چنین شرطی نکنند ولی در هنگام اجرای عقد، با توافق میزان وجه التزام را کم یا زیاد کنند. این امکان با توجه به مبانی آزادی قراردادهای و حاکمیت اراده وجود دارد. از آنجا که در این مساله جزیی و خاص قانون ساکت است ولی درباره شروط ضمن عقد و احکام آن به طور عمومی در مواد ۲۳۲ به بعد سخن گفته شده است و چنین شرطی جزء شروط باطل یا مفسد عقد در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ ق.م. شمرده نشده است و اصل نیز بر آزادی قراردادهای (ماده ۱۰ ق.م.) و صحت معاملات (ماده ۲۲۳ ق.م.) است؛ در اعتبار چنین شرطی نباید تردید به خود راه دارد به خصوص که مبانی حقوق اسلام نیز اصل آزادی قراردادهای را تایید می‌کند.
۳. تعدیل قضایی وجه التزام: مساله اساسی این است حال که قانون در تعدیل وجه التزام نظر به ظاهر منفی داده است اگر قرارداد هم در این مورد ساکت باشد آیا قاضی می‌تواند به درخواست یکی از اصحاب دعوی در میزان وجه التزام دخل و تصرف نماید؟

با توجه به ظاهر ماده ۲۳۰ ق.م. نمی‌توان در میزان وجه التزام دخل و تصرف کرد حتی اگر وجه التزام کمتر یا بیشتر از خسارات واقعی باشد. مثلاً اگر ده خروار برنج فروخته شود و برای تخلف فروشنده از تسلیم آن در مدت معین، هزار تومان شرط شود مشتری فقط همان مبلغ را می‌تواند مطالبه کند حتی اگر خسارات عدم تسلیم برنج زیاد یا کمتر از آن باشد. (حائری شاه باغ، ۱۳۸۷، ۲۰۸) با این وجود رویه قضایی در سال‌های اخیر در مورد تعدیل وجه التزام‌های نامتعارف کمی انعطاف پذیرتر گردیده بود و قضات تا حدودی در آراء خویش سعی در تعدیل وجه التزام‌های نامتعارف و نامتناسب داشتند لکن سیستم قضایی کشور ما به جای حمایت از این دسته از قضات و آرای صادره و همچنین تصویب قوانین و مقررات لازم در این زمینه، با صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رابطه با عدم امکان تعدیل وجه التزام قراردادی، مجدداً امکان تخطی از حکم ماده ۲۳۰ قانون مدنی را منتفی ساخت. رأی وحدت رویه مذکور چنین مقرر می‌نماید: «تعیین وجه التزام قراردادی به منظور جبران خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی، مشمول اطلاق ماده ۲۳۰ قانون مدنی و عبارت قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است و با عنایت به ماده ۶ قانون اخیرالذکر، مبلغ وجه التزام تعیین شده در قرارداد، حتی اگر بیش از شاخص قیمت‌های اعلامی رسمی (نرخ تورم) باشد، در صورتی که مغایرتی با قوانین و مقررات امری از جمله مقررات پولی نداشته باشد، معتبر و فاقد اشکال قانونی است. بنا به مراتب، رأی شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص

داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.»

تمسک به نظم عمومی، اخلاق حسنه و اصول انصاف و عدالت، استناد به تخلف طرف مقابل و یکپارچگی تعهدات مندرج در قرارداد و «تفسیر در پرتو کل قرارداد»، بهره از وحدت ملاک قواعد نفی عسر و حرج، لاضرر و لاضرار، معامله ربوی و تفسیر موسع از پاره ای مقررات ماهوی؛ از جمله راه حل های حقوقی در فرار از پذیرش وجه التزام قراردادی نامتعارف در آراء قضایی بود اما رأی وحدت رویه مذکور به یکباره تمام این تلاشها و نهضت به راه افتاده در تعدیل حکم ماده 230 قانون مدنی را سرکوب کرده است. (موسوی، ۱۴۰۱، ۵۳۶)

در قوانین مدنی برخی کشورها چون فرانسه و سوئیس و آلمان، دادگاه می‌تواند تناسب وجه التزام با خسارات واقعی را بررسی نماید. مثلاً بند ۳ ماده ۱۶۳ قانون تعهدات سوئیس در این باره مقرر می‌دارد: «قاضی می‌تواند اگر وجه التزام را مبالغه آمیز تشخیص دهد، میزان آن را تقلیل دهد.» (واحدی، ۱۳۹۲، ۵۴) یا بند افزوده شده به موجب قانون شماره ۵۹۷-۷۵ مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۷۵ ماده یکم ماده ۱۱۵۲ ق.م. فرانسه مقرر می‌دارد: «... با این وجود دادرسی می‌تواند (قانون شماره ۱۰۹۷ - ۸۵ مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۸۵، ماده یکم) را، رأساً، جریمه مورد توافق را در صورتی که کاملاً گزاف یا به طور مسخره آمیز کم بداند؛ تعدیل کند یا افزایش دهد. هرگونه شرط مخالف مقرر نشده تلقی خواهد شد.» و ماده ۱۲۳۱ ق.م. آن کشور عنوان داشته است: «هرگاه تعهد جزئاً اجرا شده باشد ممکن است دادرسی، وجه التزام مقرر را به نسبت بهره‌ای که اجرای جزئی تعهد، نصیب متعهدله می‌کند کاهش دهد بدون اینکه به اعمال ماده ۱۱۵۲ خلل وارد شود. هر نوع شرط مخالف، مقرر نشده یا نانوشته تلقی خواهد شد.» (نوری، ۱۳۹۰، ۲۵، ۴۵ و ۴۶)

بند ۲ و ۳ ماده ۱۷۰ ق.م. عراق هم تعدیل وجه التزام هم از نوع کم یا زیاد کردنش را در شرایطی تجویز کرده است (الحکیم، ۱۹۶۳ م، ۴۵). علت این امر در کشورهای سوئیس و فرانسه و آلمان آن است که وجه التزام چهره اجبارکننده خود را از دست داده و به صورت خسارت در آمده است. خلاف آماره خسارت بودن وجه التزام را می‌توان اثبات کرد ولی در حقوق ما چهره‌ای مختلط از جبران خسارت و کیفر دارد به همین جهت حقوقدانان اصل را بر مسموع نبودن امکان اثبات خلاف آن در دادگاه می‌دانند ولی با این وجود در موردی که تعهد تجزیه‌پذیر باشد و بخشی از عقد انجام شده باشد و بتوان همان بخش را برای طلبکار مفید دانست؛ دادرسی می‌تواند بر مبنای قصد مشترک طرفین، مدیون را از بخشی از وجه التزام که با آن متناسب است؛ معاف نماید مثلاً در قراردادی که به منظور فروش و تحویل ده قایق موتوری بسته می‌شود و وجه التزامی برای جبران خسارت ناشی از عدم تحویل آنها تعیین می‌شود اگر

¹ Reference to contract as a whole

فروشنده در سررسید تعیین شده، ۵ قایق را تحویل دهد اگر با تحویل آنها، بخشی از مطلوب خریدار محقق شده باشد و سهمی از خسارت کاسته شود؛ دادگاه می‌تواند حکم به دریافت نصف وجه التزام مقرر صادر نماید. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۲۱۴-۲۱۶) پس با جمع: ۱. حاکمیت قصد مشترک طرفین ۲. تجزیه‌پذیر بودن تعهد ۳. انجام بخشی از تعهد، طلبکار را به بخشی از خواسته هایش برساند؛ می‌توان حکم به تعدیل وجه التزام صادر کرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۵۹۰)

اگر وجه التزام، کیفر مدنی تخلف از انجام دانسته شود نمی‌توان آن را تعدیل کرد چون به مجرد تخلف بر ذمه متخلف تعلق می‌گیرد ولی اگر ماهیت این وجه، خسارت دانسته شود می‌توان بیشتر از آن را در صورتی که دریافت اصل این وجه، تکافوی ضرر متعهدله را نکند یا کمتر از آن را در صورتی که میزان وجه التزام، بیش از ضرر وارد بر متعهد باشد را دریافت کرد. از عبارت «به عنوان خسارت» در ماده ۲۳۰ ق.م.چنین برداشت می‌شود که قانون‌گذار اگرچه درصدد مجازات متخلف بوده است، علاوه بر آن به ماهیت خسارت بودن آن نظر داشته است. (جمع وصف خسارت و کیفر) از یک سو تغییر در میزان این وجه را ممنوع شناخته است و از سوی دیگر دریافت این مبلغ را به عنوان جبران خسارت ناشی از عهدشکنی دانسته است؛ از جمع این ماهیت مختلط برخی نتایج بدست می‌آید:

۱. اگر عهد شکنی صورت نگرفته باشد مانند آنکه متعهد در اجرای حقوق قانونی اش از ایفای تعهد امتناع کرده باشد نباید او را متخلف شناخت و به پرداخت وجه التزام محکوم کرد.
 ۲. اگر تخلف جزئی از تعهد صورت گرفته باشد قاعده تناسب کیفر با تخلف (معادل آن در حقوق جزا تناسب جرم با مجازات) اقتضاء می‌کند که به کیفر همان بخش محکوم شود نه کل وجه التزام.

۳. اگر دریافت این وجه تکافوی ضرر متعهدله را نکند و به طور آشکار ناچیز باشد باید بتوان خسارات مازاد بر آن را دریافت کرد چون اگرچه متعقد، تادیب شده است ولی ضرر متعهدله به طور کامل جبران نشده است. به عنوان مثال در قراردادی که برای ضمانت اجرای تأخیر در پرداخت ۵۰ میلیون تومان از ثمن معامله در تاریخ معین روزانه ۲۰۰ هزار تومان وجه التزام تعیین می‌شود و ۴۹ میلیون تومان آن پرداخت می‌شود و ۲۰ روز تأخیر می‌شود؛ شایسته نیست که برای تخلف از پرداخت یک میلیون تومان باقیمانده، خریدار به پرداخت چهار میلیون تومان وجه التزام محکوم شود بلکه چهار میلیون تومان وجه التزام به نسبت بخش وناشده تعهد یعنی ۴۹ میلیون تومان تعدیل می‌شود و میزانی که متعهد باید به پرداخت آن محکوم شود ۸۰ هزار تومان محاسبه می‌گردد چون عرف معاملات که مفسر اراده ضمنی طرفین است، تجزیه‌پذیری این تعهد را می‌پذیرد. فرمول ریاضی که در این گونه موارد قاضی را راهنمایی می‌کند به این شرح است:

لازم به ذکر است که اصل کلی بر عدم امکان تعدیل وجه التزام است مگر متعهد دلایل موضوعی اقامه نماید که بخشی از تعهد صورت گرفته و تعهد تجزیه‌پذیر بوده است و بخشی از آن مطلوب مورد نظر متعهد له باشد یا مشروطاً له اثبات نماید دریافت این مبلغ در تعهد واقع شده، بهای ناچیزی است که ضررش را جبران نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

حقوقدانان، در خصوص اصل شرط وجه‌التزام طبق ماده ۲۳۰ قانون مدنی و عمومیات قواعد شروط هیچ‌گونه اختلافی ندارند و همگی بر صحت آن اتفاق نظر دارند اما در خصوص تعدیل وجه‌التزام‌های گزاف موضوع اختلافی است و نظر واحدی وجود ندارد، دلایل هر کدام از حقوقدانان نیز در جای خود قوی و جای تامل دارد. اما اگر بخواهیم آن‌ها را ارزیابی کنیم حقیقت آن است که دیدگاه تعدیل وجه‌التزام ارجح بنظر می‌رسد، زیرا ابتدای بنیان این تئوری بر مبنای قواعد و اصول کلی حقوقی است که بر حقوق کشور سایه افکنده است و ما باید هنگامی که حکم قانونی همچون نص ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران و رای وحدت رویه شماره ۸۰۵ هیات عمومی دیوان عالی کشور با انصاف و عدالت ناسازگار باشد به راحتی بتوانیم به تعدیل وجه التزام تمسک جوئیم.

همانطور که ذکر گردید در حقوق کشورهای مختلف از جمله انگلستان، فرانسه، آلمان، سوئیس، مصر و ... طبق شرایطی از جمله ناعادلانه و گزاف بودن مبلغ وجه التزام، جنبه مجازات داشتن آن، عدم امکان اجرای قرارداد و ... امکان تعدیل وجه التزام قراردادی وجود دارد و حقوق این کشورها این موضوع را پذیرفته است بر خلاف حقوق کشور ما که با صدور رای وحدت رویه شماره ۸۰۵ هیات عمومی دیوان عالی کشور مهر تاییدی بر ماده ۲۳۰ قانون مدنی و عدم امکان تعدیل وجه التزام گردیده است.

با تتبع در آثار و منابع موجود فقهی و حقوقی قابل ذکر می‌باشد که حقوق در خدمت اجتماع است و اجرای مقررات آن اگر با طبع جامعه و زندگی آن‌ها مطابقت نداشته باشد از رسالت خود عقب می‌ماند. عمل به ماده ۲۳۰ قانون مدنی و عدم تعدیل وجه التزام قراردادی هر چند رویه چندین ساله قضات محاکم کشورمان است ولی اصلح و افضل آن است که همگام با تحولات عصر حاضر و منطبق با نیازهای روز، از موازین قانونی بسان فقه انور امامیه و همچنین حقوق سایر کشورها تفسیری پویا داشته باشیم. تعدیل وجه‌التزام را ترجیح و تقدم دهیم.

علاوه بر موارد فوق نکته مهم دیگر در امکان اثبات تعدیل وجه‌التزام آن که در شرایط کنونی غالباً متعهد له شرط وجه‌التزام اشخاصی هستند که واقعا نیازمند حمایت مدنی و حقوقی بوده و باید توافقات حاصله را با توجه بدان تحلیل نمود. بنابر مراتب فوق باید گفت که نظریه نهایی جامعه حقوق کشور به سوی تعدیل در حرکت است که رویه قضایی با آراء صادره متقن در این زمینه قطعاً بدان کمک خواهد نمود. اما در خصوص رویه قضایی باید گفت که این رویه به سختی تعدیل را می‌پذیرد زیرا هنوز هم شعار

وفاداری به نص قانون یکی از مهمترین پیش فرض‌های مفروض قضات محاکم در رسیدگی‌های حقوقی است. هرچند، عرف عقلای عالم و حقوق فراملی هم شرط وجه‌التزام و هم تعدیل را روا می‌دارد.

پیشنهادات

با توجه به قاعده منع سوء استفاده از حق مستنداً به اصل چهلم قانون اساسی و قاعده فقهی لاضرر، قاعده عدل و انصاف، قاعده منع داراشدن بلاجهت، قاعده نفی عسر و حرج و همچنین استناد به وحدت ملاک برخی مواد قوانین موضوعه چون مادتين ۲۷۷ و ۶۵۲ قانون مدنی ماده ۱۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی جدید مصوب ۱۳۹۴، ماده ۳ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، ماده ۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب و همچنین قاعده لزوم رعایت حسن نیت در قراردادهای وجه‌التزام را تا حد انصاف و عدالت قراردادی تعدیل نمود ولی بهتر است که متن ماده ۲۳۰ قانونی اصلاح گردد یا با صدور رای وحدت رویه‌ی دیگری موضوع تعدیل به نحوی صریح از لسان قانون‌گذار بیان گردد و صراحتاً مجوز تعدیل وجه التزام قراردادی نامتعارف به دادگاهها و قضات اعطاء گردد.

قانون گذار به جای استفاده از راهکار نوعی در همه قراردادهای، یک رویه همانند قانون انگلستان، فرانسه و ... در پی بگیرد یا از شیوه شخصی استفاده نماید و در مواقعی که این نوع خسارت به شدت گزاف و ناعادلانه باشد از ابزار حقوق استفاده نماید و با تعدیل وجه التزام در این موارد، به اجرای عدالت کمک نماید.

منابع

فارسی

اسکینی، ربیعا (۱۳۷۱)، مباحثی از حقوق تجارت بین الملل، انتشارات امیر کبیر.
بیگدلی، سعید (۱۳۸۶)، تعدیل قرارداد، چاپ اول: تهران: نشر میزان.
بهرامی، حمید (۱۳۹۴)، مختصر هفتاد و هفت قاعده فقهی، جلد اول، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰)، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتاب‌خانه‌ی گنج دانش.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲)، حقوق تعهدات، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۵۸)، دانشنامه حقوقی، جلد پنجم نشر امیر کبیر.

حائری شاه باغ، علی (۱۳۸۷)، شرح قانون مدنی، ج ۱، تهران، گنج دانش.

حسین‌زاده، اصغر و مجید خلیل‌پورگرگانی (۱۳۹۲)، وجه التزام در حقوق ایران، کشورهای اسلامی و انگلیس "همراه با رویه قضایی و نمونه قراردادهای حاوی شرط وجه التزام"، چاپ اول، تهران:

فردوسی، ص ۱۴۱.

- سیمایی صراف، حسین (۱۳۸۰)، شرط ضمنی، چاپ اول، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۳)، آثار قراردادهای و تعهدات، چاپ دوم، تهران: مجد.
- صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۷۹)، مطالعه‌ی تطبیقی (تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قرارداد) و راه حل حقوق ایران، مجله‌ی حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره‌ی ۲۵، ص ۱۶۱-۲۲۲.
- عمید، حسن (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- غفور خوئینی، عطیه و شمس الهی، سهیل (۱۳۹۲)، «تعدیل قضایی قرارداد در اثر کاهش ارزش پول»، فصلنامه حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبایی. سال دوم، شماره ۴، ص ۱۱۱-۱۳۹.
- فلاح، محمدرضا (۱۳۸۸)، ثبوت و اثبات در قانون روابط موجر و مستاجر، تهران: جنگل.
- قجاوند، محسن (۱۳۹۸)، مطالعه تطبیقی تعدیل قضایی وجه التزامی نامتناسب در حقوق ایران و انگلستان، فصلنامه علمی تخصصی مجله حقوقی دانشگاه اصفهان، دوره ۶، شماره ۹، ص ۸۱-۱۰۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۲)، ضمان قهری و مسئولیت مدنی، چاپ بهمن، سال ۱۳۶۲.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۳، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، نظریه‌ی عمومی تعهدات، جلد ۱، چاپ اول، تهران: نشر یلدا.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، ش ۳۲۸، ص ۵۹۰.
- کامیار، محمدرضا (۱۳۷۷)، گزیده آراء دادگاه‌های حقوقی، مجموعه چهارم، نشر حقوقدان.
- کریمی، هادی و شعبانی کندسری، عباس (۱۳۹۳)، رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر و قاعده غربی سو استفاده از حق، فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی، حقوق اسلام و غرب، سال اول، شماره ۲، ص ۱۳۵-۱۶۶.
- مقدری امیری، عباس و عسکری، حکمت‌الله (۱۳۹۴)، تعدیل قرارداد در فقه امامیه و حقوق ایران، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۱، ص ۱۴۵-۱۶۲.
- موسوی، سید عباس (۱۴۰۱)، مهار وجه التزام قراردادی با اصول عدالت و انصاف (نقد رای وحدت رویه شماره ۸۰۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۶)، دو فصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، دوره اول، شماره دوم، ص ۵۲۲ - ۵۴۸.
- نوری، محمدعلی (۱۳۹۰)، عقود و تعهدات قراردادی از قانون مدنی فرانسه، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- نوری، محمدعلی (۱۳۹۸)، ترجمه بخش معاملات و قراردادها، کلیات و تعهدات از قانون مدنی آلمان، تهران: گنج دانش.
- واحدی، جواد (۱۳۹۲)، ترجمه قانون تعهدات سویس، تهران، میزان.

ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤ق)، لسان العرب، جلد ١٤، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، چاپ سوم.

الحكيم، عبدالحميد (١٩٤٣م)، الموجز فى شرح القانون المدنى: مصادر الالتزام، بغداد، الاهليه. مغيب، نعيم (٢٠٠٠م)، قانون الاعمال، بيروت.

عامر، حسين (١٩٩٨م)، التعسف فى استعمال الحقوق و الغاء العقود، قاهره، الهيئه المصرىة العامه للكتاب، سال ١٩٩٨م.

نبيل، ابراهيم سعد (١٩٩٨م)، النظرية العامه للالتزام، بيروت، دارالنهضة العربيه، سال ١٩٩٨م. ناصيف، الياس (١٩٩٤)، موسوعه العقود المدنيه و التجاربه، الجزء الرابع، بيروت، سال ١٩٩٤م. السنهورى، عبدالرزاق احمد، الوسيط فى شرح القانون المدنى، جلد دوم، چاپ لبنان «بيروت».

لاتين

Robert Duxbury, contract in a nutshell, London, 1994.

David Barker, Colin Padfield, Law made simple, Mizan publication, 2005.



Contractual obligation and the possibility of its adjustment in Iranian law and different legal systems

Saman Askari *

Sara Adibi Sedeh **

Behrouz Majdzadeh Khandani ***

Abstract

Basically, in the contracts they conclude, people have the authority to determine an amount as damages for non-fulfillment of the obligation or delay in its implementation, which is called the contractual obligation, to guarantee the fulfillment of the obligations arising from the contract. The jurists do not have any differences regarding the principle of the obligation clause according to Article 230 of the Civil Law and the general rules of the conditions attached to the contract, and they all agree on its correctness, but regarding the adjustment of excessive obligations, there is a difference of opinion and there is no single opinion. In the present study, which was carried out in a descriptive and analytical method, the approach of Iranian law and different legal systems in relation to the acceptance of the obligation and adjustment of the contractual obligation has been discussed and investigated. The findings of the research show that in the laws of our country, based on Article 230 of the Civil Law and unanimous decision No. 805 of the General Board of the Supreme Court, there is still an opinion on the impossibility of adjusting the amount of the obligation. While in the laws of different countries, including England, France, Germany, Switzerland, Egypt, etc., according to conditions such as the unfairness and excessiveness of the amount of the deposit, the aspect of its punishment, the impossibility of executing the contract, and the possibility of adjusting the amount There is a contractual obligation and the laws of these countries have accepted this issue.

Keywords

Obligation, adjustment of obligation, criminal condition, judicial adjustment.

* PhD student in private law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. Samanaskari1366@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran (Corresponding Author). S.adibi.sedeh@gmail.com

*** Assistant Professor, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. bmajdzadeh@yahoo.com